

دلایل شکل‌گیری دوگفتمان استقلال‌خواهی انقلابی و پیوند‌گرایی بین‌المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

احمدرضا بردبار^۱

سامان رحیمی‌نیا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

DOI: 10.22034/wasj.2023.420919.1013

چکیده

این مقاله به بررسی دلایل شکل‌گیری دوگفتمان اساسی که سیاست‌گذاری استراتژیک و سیاست خارجی کشور جمهوری اسلامی ایران را تعیین می‌کند، می‌پردازد. این دوگفتمان توسط دو تن از سیاستمداران برجسته و تاثیرگذار در تاریخ انقلاب اسلامی یعنی مقام معظم رهبری و مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شکل گرفته است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که در ایران پس از انقلاب اسلامی دلایل شکل‌گیری دوگفتمان استقلال‌خواهی انقلابی و پیوند‌گرایی بین‌المللی چه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش این فرضیه قابل طرح است که با بررسی تاریخ معاصر سیاست خارجی ایران می‌توانیم به فرآیند شکل‌گیری این دوگفتمان پی ببریم. روشی که برای این پژوهش در نظر گرفته شده است روش توصیفی اسنادی است و برای گردآوری اطلاعات از کتاب‌ها و مقالات استفاده شده است. هدف این پژوهش کشف دلایل گفتمان‌های شکل‌دهنده سیاست‌گذاری استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است که در نهایت سیاست خارجی کشور با توجه به آن شکل می‌گیرد. این پژوهش در نهایت به این نتیجه‌گیری می‌رسد که دوگفتمان پیوند‌گرایی بین‌المللی و استقلال‌خواهی انقلابی هر یک دارای پیشینه تاریخی جداگانه‌ای هستند و مسیر مستقلی را برای تبدیل شدن به یک گفتمان طی کرده‌اند.

کلید واژه: گفتمان، استقلال‌خواهی انقلابی، پیوند‌گرایی بین‌المللی، سیاست خارجی، تاریخ معاصر ایران، قدرت‌های بزرگ.

مقدمه

همواره گفتمان‌ها در تعیین سیاست‌گذاری استراتژیک دولت‌ها تاثیرگذار بوده‌اند به خصوص در ایران پس از انقلاب اسلامی؛ در طول حیات جمهوری اسلامی ایران دوگانه‌های گفتمانی زیادی در سیاست‌گذاری استراتژیک کشور تاثیر گذاشته‌اند مانند گفتمان ملی‌گرایی لیبرال و اسلام‌گرایی، آرمان‌گرا و واقع‌گرا، اصلاح‌طلب و اصول‌گرا و تعامل‌گرا و تقابل‌گرا.

در هر یک از این دوگانه‌های گفتمانی یک گفتمان به عنوان گفتمان هژمون مطرح شده و بر سیاست‌گذاری

۱ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، ایمیل: bordbar.ar@gmail.com (نویسنده مسئول)
۲ گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

استراتژیک کشور اثرگذار بوده است. حال اما در این پژوهش قصد ما نشان دادن دوگانه گفتمانی است که تبدیل به یکی از مسائل اصلی کشور شده است یعنی انتخاب بین استقلال حداکثری و اتکای حداکثری به توانایی‌های داخلی بدون وابستگی به قدرت‌های بزرگ یا پیوند حداکثری با قدرت‌های سیاسی و اقتصادی بزرگ و حرکت به سوی جهانی شدن و همگرایی با قدرت هژمون.

دو دیدگاهی که در خصوص سیاست گذاری استراتژیک مطرح شد در گفتارها و متون مقام معظم رهبری و مرحوم هاشمی رفسنجانی دو تن از شخصیت‌های سیاسی برجسته نظام جمهوری اسلامی ایران به وضوح دیده می‌شود. برای مثال مسئله استقلال حداکثری و پیامدهای وابستگی به قدرت‌های بزرگ در بیانات مقام معظم رهبری به خوبی دیده می‌شود: بعضی از کشورها ممکن است تولیدات زیرزمینی خودشان را، نفت خودشان را، شبکه‌های نفت را، منتقل کنند به صاحبان ثروت و علم در دنیا، محصولات آنها را بخرند، یک ظاهر پیشرفتی هم ممکن است به وجود بیاید اما این پیشرفت نیست؛ پیشرفت آن‌وقتی است که «درون‌زا» باشد، آن‌وقتی است که متکی به استعداد درونی یک ملت باشد. وزن و اعتبار کشورها و دولت‌ها و ملت‌ها هم وابسته‌ی به همین درون‌زایی است. اگر چنانچه از درون، یک حرکتی، جهشی، رشدی به وجود آمد، به یک کشور، به یک ملت، وزن می‌دهد، اعتبار می‌دهد، ارزش می‌دهد، ابّهت می‌دهد.

در مقابل، این گفتار از هاشمی رفسنجانی که از لزوم همکاری و همگرایی با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی صحبت می‌کند: «دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی حضور دارند و ما باید در کنار آنها فعالیت داشته باشیم و با آنها ارتباط برقرار کنیم حالا اگر ما سیستم استعماری غرب را قبول نداریم باید در جهت تغییر آن از راه درست حرکت کنیم مثلاً در سازمان ملل کشورهای غربی به خود حق وتو داده اند یا در اقتصاد جهانی از طریق شرکت‌های چند ملیتی سلطه ایجاد کرده اند؛ از این نوع ظلم‌ها در نظام بین الملل زیاد است. اما راهکار عقلایی برای حفظ منافع حضور فعال در سازمان‌های جهانی و ائتلاف با کشورهایی است که موضع نزدیکی با ما دارند و تغییر در نظام موجود از طریق همین سازمان‌هاست» (صادقی، ۱۳۹۸: ۲۴).

به زعم پژوهشگران پرسش اصلی مقاله حاضر این است که در ایران پس از انقلاب اسلامی دلایل شکل‌گیری دوگفتمان استقلال‌خواهی انقلابی و پیوندگرایی بین‌المللی چه بوده است؟ می‌توان چنین فرض کرد که با بررسی تاریخ معاصر سیاست خارجی ایران می‌توانیم به فرآیند شکل‌گیری این دو گفتمان پی ببریم.

اهمیت و ضرورت

اهمیت و ضرورت این مقاله کمک به طرح پژوهش‌های بیشتر و گسترده‌تر در رابطه با سیاست‌گذاری استراتژیک و حل مسئله بن بست استراتژیک کشور است. با توجه به اینکه هم اکنون کشور با مسائل بسیار زیادی در حوزه ارتباطات تجاری با جهان، کندی روند توسعه اقتصادی، بحران‌های اجتماعی و سیاسی و نیاز به توسعه در بخش نظامی و امنیتی رو به رو است و نبود یک راهبرد کلان برای حل این مسائل خود به مشکلی بزرگتر تبدیل شده است، طرح یک پژوهش برای کمک به حل این مسائل ضروری به نظر می‌رسد.

روش پژوهش

این مقاله با استفاده از روش توصیفی اسنادی موضوع مورد بحث را مورد ارزیابی قرار داده است. روش توصیفی اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی است که قصد مطالعه آن‌ها را داریم. روش اسنادی مستلزم جست‌وجویی توصیفی و تفسیری است؛ در روش اسنادی پژوهشگر به دنبال واکاوای مقاصد ذهنی و ادراک انگیزه‌های پنهان یک متن نیست به همین دلیل نمیتوان توسعه تکنیکی روش اسنادی را چندان به سنت هرمنوتیک متصل کرد در روش اسنادی، علاقه پژوهشگر این است که از فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون یا تحلیل‌های تأویلی یک متن خارج شده و آن را به عنوان زبان مکتوب و

گفتمان نوشتاری نویسنده، پذیرفته و مورد استناد قرار دهد (Mogalakwe, ۲۰۰۶: ۲۲۲).

چارچوب مفهومی:

در این مقاله چارچوب مفهومی که در نظر گرفته شده نظریه گفتمان لاکلا و موف است و به این دلیل که در این پژوهش از متون و گفتارها به عنوان منبع گفتمان استفاده می‌شود.

گفتمان، بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی چیزهای گفته شده و چیزهایی است که ناگفته باقی می‌ماند. گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌تواند گفته یا درباره اش فکر شود بلکه درباره این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند گفتمان مجسم کننده معنا و ارتباط اجتماعی است؛ شکل دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی - سیاسی (قدرت) است. گفتمان‌ها سازنده موضوعات هستند و در فرایند آن سازندگی مداخله خود را پنهان می‌کنند. گفتمان متشکل از عوامل چندگانه یک نظام دال هاست و نشان می‌دهد که چگونه یک متن ساخته و پرداخته می‌شود و به جهان اجتماعی ارزش و معنا می‌بخشد (خسروی، ۱۳۹۹: ۲۸). فوکو گفتمان را برای اشاره به روال‌های منظم و قانونمندی به کار می‌برد که تبیین کننده شماری از گزاره‌ها هستند. یعنی قانون‌ها و ساختارهای نانوشته‌ای که کلام‌ها و گزاره‌های خاصی پدید می‌آورند. فوکو در تبیین معنای گفتمان از نحوه حضور و جایگاه اجتماعی کتاب مقدس و گفتمان ایجاد شده از آن مثال می‌آورد (صالحی زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۰-۱۱۹).

البته امروز، آگاهی مشترک ما به طور قابل توجهی تغییر کرده. در واقع تئوری گفتمان تعیین می‌کند که چه افراد یا گروه‌هایی از مردم در موقعیتی هستند که به مراتب راحت‌تر از دیگران می‌توانند بر آگاهی مشترک تأثیر بگذارند (Kendall, Wickham, ۱۹۹۹: ۳۵-۵۲).

نظریه گفتمان لاکلا و موف نشأت گرفته از دو سنت نظری ساختارگرا است یعنی زبان‌شناسی سوسوری و نظریه اجتماعی مارکسیسم. مارکسیسم مبنای اندیشه اجتماعی این نظریه را فراهم می‌آورد و زبان‌شناسی ساختارگرای سوسور نظریه معنایی مورد نیاز این دیدگاه پسا ساختارگرایانه را (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۱). در نظریه گفتمان لاکلا و موف گفتمان‌ها دارای ساختاری منسجم هستند که از مجموعه‌ای از واژه‌ها، مفاهیم، افراد و نمادها تشکیل شده‌اند و همه این عناصر به گونه‌ای منظم و منسجم مفصل بندی شده‌اند که به جهان ما معنا می‌بخشند. در واقع از نظر لاکلا و موف عمل مفصل بندی میان عناصر پراکنده ارتباط برقرار می‌کند به نحوی که هویت و معنای آن‌ها در نتیجه این عمل، تغییر می‌کند (دهقانی فیروز آبادی و عطایی، ۱۳۹۵: ۳۴).

ادبیات پیشین:

دکتر محمود سریع القلم (۱۳۸۰) در مقاله بازنگری نظری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: پارادایم ائتلاف به این پرسش می‌پردازد که با توجه به ظرفیت و ماهیت جمهوری اسلامی ایران، چه نوع ائتلاف و ترکیب فراملی بر پایه کدام منطق فکری و جغرافیایی در چهارچوب اهداف و استراتژی ملی کشور خواهد بود؟ پروفسور روح‌الله رضانی در کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چارچوبی تحلیلی برای بررسی تاریخ، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از جهات مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد و تلاش دارد چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه کند در این بررسی او به وجود یک دوگانه در سیاست گذاری‌های کلان در حوزه روابط جمهوری اسلامی ایران با جهان خارج پی می‌برد.

دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی در کتاب گفتمان‌های هسته‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از نظریه گفتمان لاکلا و موف به بررسی چگونگی ظهور و افول گفتمان هسته‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و هژمونیک شدن آن در زمان دولت‌های نهم و دهم را نشان می‌دهد سپس افول این گفتمان همزمان با روی کار آمدن دولت یازدهم را نشان می‌دهد. همچنین همین نویسنده در کتاب چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی با استفاده از

نظریه تحلیل گفتمان سیاست خارجی دولت های جمهوری اسلامی ایران را از ابتدا تا دولت روحانی مورد بررسی قرار می دهد.

دکتر حسین سیف زاده در کتاب سیاست خارجی ایران به مسئله سیاست خارجی ایران با توجه به مقدمات و محضورات کشور می پردازد و در این کتاب قصد دارد با تلفیق آرمانگرایی و واقعگرایی یک سیاست خارجی مناسب برای تبدیل ایران از یک قدرت کوچک منطقه ای به یک قدرت بزرگ و تاثیرگذار در عرصه بین المللی را عرضه کند.

الکس وطن خواه در این کتاب *The Battle of the Ayatollahs* در مورد رقابت ها و اختلافات مرحوم هاشمی رفسنجانی و مقام معظم رهبری در حوزه سیاست داخلی و خارجی در دوران پس از وفات امام خمینی (ره) بررسی و تحقیق نموده است.

ریچارد نفیو در کتاب *The Art of Sanctions: A View from the Field* به بررسی تحریم ها و فشارهای بین المللی بر جمهوری اسلامی ایران پرداخته است و در واقع چگونگی طراحی تحریم های اقتصادی علیه ایران را مورد بررسی قرار داده است.

انقلاب اسلامی ایران و استراتژی های سیاست خارجی

بعد از پیروز شدن انقلاب اسلامی و شکل گیری نظام جمهوری اسلامی در ایران، همواره یک مشکل اساسی در تعیین روش و نوع برخورد با جهان خارج وجود داشت، این که ایران باید با توجه به سازوکار و نظم موجود در نظام بین الملل استراتژی های سیاست خارجی خود را تعیین کند یا با توجه به ایدئولوژی و اهداف آرمانی انقلاب اسلامی استراتژی سیاست خارجی را تعیین کند. همین امر موجب شده تا تحلیل سیاست خارجی ایران کاری دشوار باشد. اما با این وجود دو اصل اساسی در تعیین استراتژی های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران موثر هستند: الف- اصل نه شرقی نه غربی ب- اصل استکبار ستیزی (از غندی، ۱۳۹۷: ۴۳).

نو آوری این پژوهش در پرداختن به یک دوگانه گفتمانی در سیاست گذاری استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است که برخلاف پژوهش های دیگر در این حوزه به دلایل شکل گیری دو گفتمان پیوندگرایی بین المللی و استقلال خواهی انقلابی می پردازد.

دلایل شکل گیری گفتمان پیوندگرایی بین المللی

شکل گیری گفتمان پیوندگرایی بین المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عوامل مختلفی بستگی داشته است که مهمترین آنها عبارت است از: الف) ورود مدرنیته به ایران در دوران سلسله قاجار ب) وابستگی امنیتی و اقتصادی ایران به قدرت های غربی در دوران پهلوی پ) انقلاب اسلامی ایران و مشکلات و چالش های پس از آن برای کشور ت) تحول در نظام بین الملل پس از فروپاشی شوروی و گسترش پدیده جهانی شدن ث) توسعه اقتصادی ایران از طریق برقراری روابط با غرب ج) هاشمی رفسنجانی مصلحت اندیشی و انعطاف پذیری

الف) ورود مدرنیته به ایران در دوران سلسله قاجار

با ورود تجدد به ایران ما شاهد میل به پیوند با قدرت های پیشرفته اروپایی هستیم. در قرن ۱۹ بسیاری از نخبگان اروپایی به این باور مشترک رسیدند که تغییر وضع موجود و حرکت به سمت تحقق آرمان آزادی، برابری، صلح و رفاه امری اجتناب ناپذیر است و وقایعی همچون پیروز انقلاب فرانسه در این زمینه تاثیر گذار بودند. ارزش هایی همچون آزادی خواهی، عدالت، دموکراسی، صلح طلبی و رفاه خیلی زود جای خود را در جوامع سنتی و اسلامی همچون ایران باز کردند و افراد تحصیل کرده در کشورهای اروپایی که به کشورشان بازگشته بودند لزوم گذار از سنت به تجدد را دائما به حاکمان وقت گوشزد می کردند. همچنین این افراد که اغلب با القابی چون منورالفکر شناخته می شدند بر لزوم تقویت بنیه نظامی، قدرت اقتصادی و تحول در ساختار اداری کشور

تاکید می‌کردند. این تجدد خواهی دقیقا بر اساس الگو پیشرفت قدرت های اروپایی بود که تا به امروز نیز ادامه دارد (موسوی بجنوردی، سجادی و همکاران، ۱۳۹۳: ج ۱۲، ۲۳۶).

بر این اساس زیربنای لازم جهت گذار ایران از سنت به مدرنیته فراهم شد اما این گذار هرگز بدون هزینه نبود و در راه این گذار کشور با چالش های بزرگی مواجه شد. با ورود تجهیزات مدرن و اختراعات جدید غربی به ایران کم کم شکل و ظاهر سنتی کشور تغییر کرد و این تغییرات از سطح جامعه تا ساختار دولت را در بر گرفت. در نیمه دوم قرن نوزدهم، غرب به دو روش بر رابطه دولت قاجار با مردم ایران در آن زمان تاثیر گذاشت که باعث تضعیف رابطه این دو شد. اول، نفوذ اقتصادی غرب بر بازارهای سنتی ایران که باعث از رونق افتادن این بازارها و نارضایتی کسبه، تجار و بازاریان سنتی شد، این مسئله در کنار اعتقاد این افراد به مذهب شیعه باعث پیوند اقتصادی و عقیدتی در این افراد شد و در نتیجه این افراد با یکدیگر احساس همدردی و یکپارچگی کردند. این احساس مشترک یک آگاهی مشترک را در یک طبقه خاص ایجاد کرد و در واقع طبقه متوسط سنتی این گونه شکل گرفت. دوم، سفر افراد زیادی به کشورهای اروپایی و میل به تحصیل در این کشورها باعث آشنایی ایرانیان با مفاهیم مدرن غربی شد و یک طبقه منورالفکر را ایجاد کرد که با طبقه روشن فکر حکومتی و درباری متفاوت بود و از مفاهیم مدرنی چون برابری، آزادی و برادری صحبت می‌کردند در حالی که طبقه روشنفکر درباری هنوز از مفاهیم سنتی حق الهی پادشاه یا شاه سایه خدا بر روی زمین است، صحبت می‌کردند. در نتیجه این طبقه روشنفکر جدید که عمدتاً تحصیل کرده های اروپا بودند مفاهیم جدیدی را وارد عرصه سیاسی ایران کردند مانند پادشاهی مستبد، ملت، مردم، دموکراسی و... این مفاهیم کم کم باعث تغییرات بنیادینی در ایران شدند و سرانجام انقلاب مشروطه ثمره این تغییرات بنیادین بود. نفوذ غرب در زمان قاجار با حمله نظامی روسیه و بعد انگلیس به ایران، آغاز شد که در جریان این جنگ ها ایران به دلیل ضعف نظامی و تکنولوژیک شکست خورد و در اثر قراردادهای ننگین ترکمانچای، گلستان و پاریس بخش های زیادی از سرزمین خود را از دست داد. شکست ایران از روسیه و انگلیس باعث شد تا همکاری با اروپا را به تقابل آن ترجیح دهند و در نتیجه به جای تقویت جامعه ایران در برابر نفوذ غرب دولت را در برابر جامعه تقویت کردند و به نوعی نفوذ غرب را پذیرفتند و از ایستادگی در مقابل آن خودداری کردند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۷-۶۵).

بنابراین ورود مدرنیته به ایران در دوران قاجار تاثیر بسیار زیادی بر شکل گیری تفکری شد که در آن اساسا توسعه و پیشرفت از راه غرب می‌گذشت و در آینده این تفکر به گفتمانی تبدیل شد که سعادت و پیشرفت ایران را در داشتن پیوندهای عمیق امنیتی، اقتصادی و فرهنگی با قدرت های بزرگ به خصوص قدرت های غربی می‌دید.

ب) وابستگی امنیتی و اقتصادی ایران به قدرت های غربی در دوران پهلوی

در دوران پهلوی نفوذ تفکر تجددخواهانه به ایران به شدت افزایش یافت و موجب تغییرات بزرگ در ساختار دولتی و جامعه ایران شد. در این دوران و به خصوص در دوران پهلوی دوم ایران به علت بهره مندی از منابع سرشار طبیعی مانند نفت و گاز و صادرات آن به قدرت های بزرگ غربی از درآمد بسیار زیادی بهره می‌برد که بیشتر صرف خرید کالاهای ساخت غرب می‌شد و همین امر وابستگی ایران به قدرت های بزرگ غربی را بیشتر می‌کرد.

در سال ۱۹۰۱ میلادی امتیاز نفت ایران به ویلیام ناکس دارسی اعطا شد که در این امتیاز کشف، استخراج، حمل و نقل، پالایش و صادرات نفت به مدت ۶۰ سال به دارسی واگذار شد. (سلیمانی، وحیدی راد، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۳). پس از این مرحله، تولید و عرضه نفت به یکی از اصلی ترین عوامل اقتصاد سیاسی ایران تبدیل شد. دلایل این امر از این قرار است: الف) جایگاه حیاتی ایران به عنوان یک کشور دارای منابع عظیم نفتی برای شرکت های چند ملیتی و لزوم حفظ آن ب) وابسته شدن اقتصاد داخلی به میزان نفت صادراتی پ) وابستگی میزان قدرت دولت به افزایش یا کاهش درآمدهای نفتی ت) ایجاد یک بخش اقتصادی که کاملا از سایر بخش های

اقتصادی کشور جدا است و با وجود درآمد بالا اما اشتغال کمی ایجاد می‌کند (ث) ایجاد یک منبع درآمد نا محصول برای دولت که بیشتر برای واردات و ایجاد رفاه برای طبقه مرفه شهر نشین کاربرد دارد و باعث اختلاف طبقاتی می‌شود (ج) آسان شدن پیشرفت اقتصادی، صنعتی و فرآیند مدرن شدن از لحاظ فنی، اما از لحاظ اقتصادی درآمدهای نفتی خود به عاملی برای تبدیل شدن دولت‌های ایران به دولت‌های رانتیر بدل شد که مشکلات فراوانی را با خود به همراه آورد. با این حال، این روند در همین دوره آغاز شده بود: درآمد نفتی در دوره رضا شاه با این که کم بود اما به سرعت در حال رشد بود و داشت جایگاه خود را در اقتصاد ایران پیدا می‌کرد (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۱۳۶).

قرارداد ۱۹۳۳، عبور اقتصاد جهانی از بحران اقتصادی بزرگ و آماده شدن قدرت‌های بزرگ برای جنگ جهانی دوم باعث شد تا نیاز به نفت ایران بیشتر شود و درآمد دولت از فروش نفت افزایش پیدا کند. دولت با تراز پرداختی مازاد رو به رو بود و در واقع دولت درآمد ارزی قابل توجهی در اختیار داشت که نه به مالیات و تعرفه وابسته بود نه از طریق صادرات محصولات تولیدی بدست آمده بود (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۱۷۵).

در دوران پهلوی اول با وجود کم بودن درآمد‌های نفتی ایران اما وابستگی اقتصاد کشور به عایدی حاصل از فروش آن روز به روز به افزایش بود و تاثیر آن بر اقتصاد در زمان پهلوی دوم نمایان شد. این حجم از وابستگی به عایدی حاصل از فروش نفت در نهایت باعث وابستگی بیش از پیش اقتصاد کشور به قدرت‌های بزرگ شد. آنچه مسلم است از زمان تثبیت قدرت پهلوی یکم، منافع انگلستان به تدریج مورد تهدید وی قرار گرفت تا جائیکه دولت انگلیس با بزرگنمایی خطر آلمان در سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ با همراهی شوروی از طریق نظامی وارد خاک ایران شد و کودتایی دیگر در خاک ایران را به یاری متفقین رهبری کرد (بردبار، ۱۳۹۹: ۵۲-۵۳). پس از برکناری رضاشاه و اشغال ایران توسط متفقین ایالات متحده آمریکا جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران به خصوص در سالهای پس از پایان اشغال ایران پیدا کرد و در وابستگی ایران به قدرت‌های بزرگ تاثیر گذار بود.

ایالات متحده آمریکا توانست طی جنگ جهانی دوم وارد صحنه سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران شود و اساس همکاری یا نفوذ طولانی را پی ریزی کند (از غندی، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۲۶).

به طور کلی در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی ایران به دلیل وابستگی اقتصادی و امنیتی به غرب به خصوص آمریکا نمی‌توانست به صورت مستقل در نظام بین الملل عمل کند. در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ ایران به شدت به خریدها و کمک‌های نظامی آمریکا وابسته بود و بخش اعظمی از درآمدهای نفتی صرف بخش نظامی و امنیتی می‌شد (از غندی، ۱۳۹۵: ۲۸۹-۲۷۰).

واقعیتی که شخص شاه بدان اعتراف می‌کند، هرچند با تأخیر و به مثابه نوشدارو پس از مرگ سهراب. محمدرضا شاه در آخرین کتاب خود با عنوان پاسخ به تاریخ که در سال‌های پس از سقوط به رشته تحریر درآورد و کم و بیش حالت تعدیل شده‌ای نسبت به سه کتاب قبلی دارد، از برخی تصمیمات و اقدامات در سال‌های سلطنت خود، بویژه از روندی که به پذیرش وابستگی یک جانبه به آمریکا انجامید، انتقاد کرده و با اولویت قائل شدن بر عوامل خارجی در شکل‌گیری رخدادهای سیاسی و اجتماعی کشور، وابستگی یک جانبه به ایالات متحده آمریکا را یکی از عوامل اصلی سرنگونی خود قلمداد می‌نماید (از غندی، ۱۳۹۷: ۴۱).

پ) انقلاب اسلامی ایران و مشکلات و چالش‌های پس از آن برای کشور

از دیگر عواملی که به شکل‌گیری گفتمان پیوندگرایی بین‌المللی کمک کرد مشکلات و چالش‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود. این چالش‌ها و مشکلات اعم از ناآرامی‌ها، حملات تروریستی، بی‌ثباتی سیاسی، جنگ تحمیلی، تحریم و انزوای بین‌المللی بودند که باعث شدند نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران تا حد زیادی از آرمانگرایی فاصله گرفته و به طرف واقع‌گرایی حرکت کنند. پس از ۸ سال جنگ تحمیلی و بکارگیری سیاست نه شرقی نه غربی و آرمان ایجاد جامعه جهانی عدالت

اسلامی، در سال ۱۳۶۷ واقیعت مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ و تضعیف جایگاه ایران به دلیل انزوای سیاسی، به سیاستمداران جمهوری اسلامی تحمیل شد و این مسئله موجب شد تا تغییراتی در سیاست خارجی کشور ایجاد شود که نتیجه آن پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران بود (سرمدی، ازغندی، ۱۳۹۵: ۵).

آیت الله هاشمی با تأکید بر این نکته که ما طرفدار صدور انقلابیم سیاست صدور انقلاب را از جنبش گرایبی و جنبش زایی تعریف می‌کند نه روشی مسلحانه و نظامی او می‌گوید ما حرکت اسلامی داریم و اسلام در منطقه حق است و اسلام باید در منطقه حاکم باشد و این چیزی است که دنیا توجه کرده دیدید که در واشینگتن، پاریس، انگلستان این لانه‌های فساد، مهمترین تظاهرات روز قدس را مردم آزاده مسلمان آنجا کردند با اینکه پلیس‌تان نمی‌خواست. ملت‌های دنیا حرکت اسلام را پذیرفته اند و خاضع شده اند و تشخیص داده اند که این حرکت حرکت اسلامی و انسانی است ما از صدور انقلاب این را می‌گوییم ما هیچ وقت با زور قدرت و سپاه و ارتش هیچ کشور را فتح نخواهیم کرد، مگر آن کشوری که به ما تجاوز کرده که آن هم حقی است که دنیا به ما داده است (اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۹۹).

این مواضع در مورد صدور انقلاب در حالی است که در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی صدور انقلاب به الگو سازی ایران برای مستضعفان جهان تعبیر شد. در ارتباط با مقوله «سیاست صدور انقلاب» در قانون اساسی در دولت هاشمی رفسنجانی می‌توان مدعی شد که این مهم با رحلت رهبر انقلاب به گونه ای دیگر تفسیر شد؛ زیرا جمهوری اسلامی در موقعیتی خاص قرار گرفت؛ از این رو سیاست صدور انقلاب نیز با تغییر و تحول روبه رو شد توضیح آنکه دولت هاشمی به دلیل چالش‌های اقتصادی فرارو، سعی می‌کرد سیاست توسعه اقتصادی را پی بگیرد. وی بر این موضوع تأکید کرد که ما برای پیگیری سیاست صدور انقلاب نیازمند اقتصادی قوی و پویا هستیم. با الگوسازی اقتصادی می‌توان انقلاب را صادر کرد از نظر او نمی‌توان بدون پشتوانه مادی تولید، انقلاب را صادر کرد و از سویی بقای نظام را نیز نمی‌توان تضمین کرد (باقری دولت آبادی، شفیع سیف آبادی، ۱۳۹۵: ۹۲).

ت) تحول در نظام بین الملل پس از فروپاشی شوروی و گسترش پدیده جهانی شدن

یکی از اصلی ترین دلایل شکل گیری گفتمان پیوندگرایی بین المللی در جمهوری اسلامی ایران فروپاشی شوروی و برآمدن نظم نوین جهانی به رهبری ایالات متحده آمریکا بود که با گسترش پدیده جهانی شدن در سال های بعد از آن، به یکی از پایه های اساسی گفتمان پیوندگرایی بین المللی در ایران تبدیل شد. در این دوره در نظام بین الملل تغییراتی در حال شکل گیری بود که به نفع کشورهای استقلال خواه نبود یعنی با فروپاشی شوروی و تغییرات بنیادین در نظام بین الملل که از دل این تحولات نظام تک قطبی با محوریت ایالات متحده آمریکا به وجود آمد، فصل جدیدی در روابط بین الملل آغاز شد. هدف آمریکا از ایجاد این نظم کنترل هرج و مرج و خشونت موجود در دنیای پس از فروپاشی شوروی بود (رضایی، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

در عصر جهانی شدن قدرت دولت ها در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به چالش کشیده شد و معادل هایی برای هر یک از این حوزه ها معرفی شد. سازمان ها، نهادها و جنبش های بین المللی در حوزه سیاسی دولت ها را به چالش کشیدند، شرکت های چند ملیتی، سازمانهایی مثل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در حوزه اقتصادی دولت ها را به چالش کشیدند و جنبش های بین المللی، انقلاب ارتباطات و پدیدار شدن فرهنگ جهانی دولت ها را در حوزه فرهنگی به چالش کشیدند (ذکی، حسینی نصرآبادی، ۱۳۹۳: ۱۹۶-۲۰۷).

در مجموع با برآمدن نظم بین المللی جدید پس از فروپاشی شوروی که در آن آمریکا به عنوان ابرقدرت، ابزارهای زیادی برای اعمال نظر و اعمال قدرت خود بر سایر بازیگران بین المللی داشت، گروهی از نخبگان سیاسی از جمله هاشمی رفسنجانی و محمدرضا خاتمی در ایران به این جمع بندی رسیده بودند که به جای تقابل با غرب و آمریکا باید راه تعامل با آن ها را در پیش گرفت. علاوه بر این مسئله گسترش پدیده جهانی شدن و تضعیف جایگاه دولت و در مقابل تقویت جایگاه سازمان های بین المللی، جنبش های بین المللی و انقلاب

ارتباطاتی باعث باز شدن راه برای گفتمان پیوندگرایی بین‌المللی در جمهوری اسلامی ایران شد.

ث) توسعه اقتصادی ایران از طریق برقراری روابط با غرب

دلیل دیگری که باعث شکل گرفتن گفتمان پیوندگرایی بین‌المللی شد چالش روابط عادی با غرب و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی بود. درست در ابتدای شکل‌گیری نظم جدید بین‌المللی پس از فروپاشی شوروی بحث قدرت اقتصادی و تکنولوژیک غرب و نیاز ایران به توسعه توسط نخبگان دانشگاهی مطرح شد و با توجه به اختلافات ریشه دار میان غرب به خصوص آمریکا با ایران بحث توسعه با کمک غرب با مانعی جدی رو به رو بود. جمهوری اسلامی ایران با وجود بهره‌مندی از یک هویت استقلال طلبانه و سلطه گریز، خواهان برقراری روابط اقتصادی با قدرت‌های غربی و استفاده از تکنولوژی آنها بوده است اما به لحاظ فلسفی و سیاسی این قدرت‌ها را قبول نداشته و حاضر نیست سیاست خارجی خود را مطابق خواسته‌های آنها پی‌ریزی کند در مقابل اما قدرت‌های بزرگ غربی به خصوص آمریکا به مانند ایران این تفکیک اقتاد از سیاست خارجی انجام نمی‌دهند و با اتخاذ یک سیاست یکپارچه علاوه بر فشار سیاسی بر ایران فشار اقتصادی نیز وارد می‌کنند (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۳۲). در نتیجه توسعه اقتصادی از طریق برقراری روابط با غرب به چالش کشیده می‌شود. به همین دلیل بسیاری از نخبگان دانشگاهی مذاکره و تعامل با غرب را به دولت‌های جمهوری اسلامی توصیه می‌کنند.

ج) هاشمی رفسنجانی مصلحت‌اندیشی و انعطاف‌پذیری

هاشمی رفسنجانی یکی از برجسته‌ترین سیاستمداران نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است که تصمیمات و نظرات او در بسیاری از نقاط عطف و رویدادهای مهم تاریخ جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار بوده است. انعطاف‌پذیری و مصلحت‌اندیشی هاشمی رفسنجانی و نفوذ او در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور تعیین‌کننده بود و از دلایل مهم شکل‌گیری گفتمان پیوندگرایی بین‌المللی می‌باشد.

هاشمی رفسنجانی در دوران ریاست جمهوری خود و پس از آن کوشید تا در بسیاری از اصول انقلاب اسلامی که در حوزه سیاست خارجی مطرح بود تعدیل و تحول ایجاد کند اصولی مثل استکبار ستیزی، نه شرقی نه غربی و صهیونیسم ستیزی که پایه گذار آن‌ها رهبر انقلاب اسلامی ایران یعنی روح‌الله خمینی (ره) بود، توسط هاشمی رفسنجانی دچار تعدیل و تحول شد.

در خصوص اصل استکبار ستیزی می‌دانیم که نماد استکبار در اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر ایالات متحده آمریکا می‌باشد. بنابراین تعدیل اصل استکبار ستیزی به معنای تشویق و ترغیب مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران به مذاکره و عادی سازی روابط با آمریکا است. مرحوم هاشمی رفسنجانی بعد از دوران ریاست جمهوری همواره از نبود مشکلات مبنایی برای برقراری روابط با آمریکا سخن می‌گفت. فکر می‌کنم می‌توانیم در حدی که با کشورهای اروپایی مثل آلمان و انگلیس کار می‌کنیم، با آمریکا هم کار کنیم. چه فرقی می‌کند؟ از این جهات هیچ فرقی ندارند. از لحاظ مبنایی هیچ اشکالی ندارد و از لحاظ نظری و عملی هم کاملاً مقدر است. ولی این را برای خود تابو کردیم که بالاخره باید روزی این تابو را بشکنیم (صادقی، ۱۳۹۸: ۶۱).

مرحوم هاشمی رفسنجانی اصل نه شرقی نه غربی را با توجه به فروپاشی شوروی و بلوک شرق و همینطور بهبود روابط ایران و شوروی به اصل عدم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری تبدیل کرد (اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۲۴۴).

همچنین هاشمی رفسنجانی اصل صهیونیسم ستیزی را تعدیل کرد به این دلیل که نماد صهیونیسم یعنی اسرائیل را غیر قابل نابودی می‌دانست و راه حل فلسطین را برگزاری رفراندوم عنوان می‌کرد نه مبارزه مسلحانه و جنگ مستقیم با اسرائیل.

راه حل فلسطین این است که از مردم موجود در اسرائیل و فلسطین رفراندوم شود. حتی یهودیان داخل فلسطین هم باید در رفراندوم شرکت کنند (صادقی، ۱۳۹۸: ۶۶).

از لحاظ مبنایی هیچ اشکالی ندارد که اسرائیل را قبول نداشته باشیم و به رسمیت نشناسیم اما مثل خیلی از کشورهای دنیا ماهیت اسرائیل را متجاوز ببینیم و در آموزش دخالت نکنیم نمی‌خواهیم بجنگیم اصلاً چنین وظیفه ای نداریم که همه دنیا را با خود بد کنیم ممکن است حکم شرعی آن در چنین شرایطی برعکس باشد. گفتیم که امام نگذاشتند نیروهایی که می‌خواستند به اسرائیل بروند، به آنجا بروند و آن‌ها را برگردانند امام حرف‌های صریح‌تری دارند که چون گفته نشد من هم نمی‌گویم به نظرم هیچ مانع عقیدتی، سیاسی و شرعی نداریم که اسرائیل را مانع همکاری جهانی خود قرار دهیم وقتی مصلحت ما ایجاب، کند تکلیف داریم که حلش کنیم (صادقی، ۱۳۹۸: ۷۰).

در مجموع هاشمی رفسنجانی با تعدیل اصول ثابتی مانند استکبار ستیزی، نه شرقی نه غربی و صهیونیسم ستیزی موانع بزرگی را از سر راه گفتمان پیوندگرایی بین‌المللی برداشت در نتیجه به یکی از عوامل مهم شکل‌گیری گفتمان پیوندگرایی بین‌المللی بدل گشت.

دلایل شکل‌گیری گفتمان استقلال‌خواهی انقلابی

از دید نویسندگان این پژوهش دلایل شکل‌گیری گفتمان استقلال‌خواهی انقلابی ۶ مورد است که شامل الف) میل ذاتی و تاریخی ایرانیان به استقلال ب) ضربه خوردن از اعتماد به قدرت‌های بزرگ پ) ناتوانی در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مستقل در دوران قاجار و پهلوی ت) پیروزی انقلاب اسلامی با شعار محوری استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی ث) تحریم و چالش خود اتکایی. در ادامه با بررسی هر یک از این دلایل چرایی شکل‌گیری گفتمان استقلال‌خواهی انقلابی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را روشن می‌سازیم.

الف) میل ذاتی و تاریخی ایرانیان به استقلال

ایرانیان همیشه به پایه‌های دینی، باستانی و تمدنی خود حساسیت و تعصب داشته‌اند. برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه که به راحتی اختلاط و انطباق با قدرتهای جهانی را پذیرفته‌اند، اقشار دینی و ملی ایران در پذیرش این تطابق سرسختی نشان داده‌اند. پس از یک طرف، رویکرد ژئوپلیتیک و اقتصادی ایران به طرف قدرتهای جهانی است و از طرف دیگر نوعی کشش به عدم امتزاج و اختلاط و انطباق با قدرتهای بزرگ و غرب وجود دارد نهضت، فکری دینی و روشنفکری در ایران نیز حول و حوش این رویارویی و تعارض شکل گرفته است. در گردونه جهانی که توسط غرب مدیریت می‌شود و عموم شاخصهای علمی حاکی از افزایش توان غرب است مردم ایران و حکومت ایران چگونه می‌توانند هم هویت و استقلال خود را حفظ کنند و هم با جهان غرب تعامل منطقی و سلطه‌ناپذیر پیدا کنند؟ بزرگترین چالش پیش روی دولتمردان و اندیشمندان ایرانی آن است که میان ثروت ملی، امنیت ملی، هویت دینی، استقلال و حاکمیت ملی و ثبات سیاسی داخلی، تعامل نظری و عملی و کاربردی ایجاد کنند (سریع‌القلم، ۱۳۸۰: ۵۴).

ب) ضربه خوردن از اعتماد به قدرت‌های بزرگ

در زمان فتحعلی شاه قاجار ایران با روسیه تزاری وارد یک دوره از جنگ‌های طولانی شد که در نهایت با شکست ایران از قوای روس به پایان رسید و حاصل این جنگ برای ایران از دست رفتن کل سرزمین‌های قفقاز و گرجستان و تحقیر ایران در عهدنامه‌های گلستان و ترکمان‌چای بود. در طول این دوره از جنگ‌ها ایران عهدنامه‌هایی با انگلستان و فرانسه امضا کرد که قرار بود آن‌ها قوای نظامی ایران را نوسازی کنند اما به دلیل بسته شدن عهدنامه‌های دیگر میان خود این قدرت‌ها آنها عهدشان با ایران را شکستند و باعث شکست ایران در جنگ با روسیه شدند (کدی، ۱۳۸۱: ۸۸-۸۴). پس از این شکست بی‌اعتمادی ایرانیان به قدرت‌های بزرگ غربی آغاز شد و در ادامه با دخالت‌های انگلیس و روسیه و بعدها آمریکا در کشور این بی‌اعتمادی دارای ریشه‌های تاریخی شد.

ب) ناتوانی در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مستقل در دوران قاجار و پهلوی

در دورا قاجاریه و پس از شکست ایران از روسیه و انگلیس و تحمیل قرار دادهای گلستان، ترکمان‌چای و پاریس نفوذ این دو قدرت اروپایی در کشور بسیار زیاد شد به طوری که استقلال سیاسی ایران در آن زمان خدشه دار شد و روسیه و انگلیس در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها همواره دخالت می‌کردند. این دخالت‌ها در سال ۱۹۰۷ میلادی تا جایی پیش رفت که این دو قدرت ایران را بین خود تقسیم کردند و در جنگ جهانی اول با نیروی نظامی وارد حوزه نفوذ خود از ایران شدند. در این شرایط دولت ایران هیچ اختیاری از خود نداشت (کدی، ۱۳۸۱: ۲۲۹-۲۲۷).

در دوران پهلوی نیز دخالت‌ها روسیه و انگلیس در ایران ادامه داشت و در طول جنگ جهانی دوم ایران توسط این دو قدرت مجدداً اشغال شد. پس از پایان جنگ جهانی دوم و پایان اشغال ایران نفوذ انگلیس در کشور کاهش یافت و در عوض نفوذ آمریکا جایگزین آن شد. پهلوی دوم هم تمایل بیشتری برای کار با آمریکایی‌ها داشت و آن کشور را به مانند قدرت سومی می‌دید که می‌تواند نفوذ روسیه و انگلیس را در ایران تعدیل کند. اما آمریکا هم خیلی زود شروع به دخالت و اعمال نفوذ بر دولت‌های ایران کرد تا جایی که دولت مصدق را با کودتا سرنگون کرد و بعد از آن با روش‌های گوناگون سعی در پیشبرد منافع خود در ایران را داشت که در بسیاری از موارد بر خلاف منافع ایران بود. دخالت‌های آمریکا در ایران دامنه گسترده‌ای داشت که حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی را شامل می‌شد.

استراتژی که شاه برای سیاست خارجی کشور به کار گرفت موجب وابستگی شدید همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کشور به غرب شد و همین امر موجب شد تا آن‌ها با استقلال ایران در برخی زمینه‌ها مانند تولید فولاد در داخل کشور مخالفت کنند و از انتقال تکنولوژی به ایران امتناع کنند. گویی ایران فقط می‌توانست نقش تولیدکننده انرژی، پلیس خلیج فارس و مصرف‌کننده کالاهای ساخت غرب را داشته باشد و نقش دیگری نباید به عهده می‌گرفت. این عمل غربی‌ها موجب شد تا شاه برای تامین خواسته‌های خود به بازیگران دیگر روی بیاورد که طبیعتاً در آن زمان بازیگر دیگر اتحاد جماهیر شوروی بود و شاه از شوروی خواست که برای ایران یک کارخانه ذوب آهن احداث کند و آن‌ها هم قبول کردند (ازغندی، ۱۳۹۵: ۳۲۱).

ت) پیروزی انقلاب اسلامی با شعار محوری استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی که یکی از شعارهای محوری آن بود در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و همین نشان دهنده اهمیت مسئله استقلال برای رهبران انقلاب و پیروان جنبش انقلابی ایران بوده است. در واقع استقلال در دوران قاجار و پهلوی به یکی از دغدغه‌های اصلی ملت ایران تبدیل شد که علت آن را می‌توان در وابستگی شدید دولت‌های ایران به قدرت‌های بزرگ و نفوذ فزاینده سه قدرت روسیه، انگلیس و آمریکا در کشور دانست. در همین زمینه مقام معظم رهبری همواره بر اهمیت مسئله استقلال تاکید می‌کنند:

اساس قضیه در این انقلاب و این کشور، مسأله «استقلال» است. به دنبال استقلال از خیرات و برکات، همه چیز به یک کشور می‌رسد. چنان‌که همه ضعف‌ها از «وابستگی» یک کشور به خارج، واصل و عاید می‌شود. چون وابستگی، اول ندیده گرفتن موجودی‌ها و موهبات الهی در حق یک ملت است. وابسته شدن به یک مرکز قدرت - در هر حدی که باشد - و دنباله‌رو آن بودن و حرکت کردن؛ ندیدن عقاید، ندیدن فرهنگ بومی، ملاحظه نکردن آمال مردم و حتی ملاحظه نکردن مصلحت ملی، از نتایج وابستگی است. بدترین دولت‌ها و حکومت‌ها حکومتی است که وابستگی را بر ملت خود تحمیل کند. ملت‌ها نمی‌خواهند وابسته باشند. اهل یک روستا را شما نگاه کنید! اگر بتواند دلش می‌خواهد وابسته به مرکز روستا یا فرضاً مرکز شهر نباشد. اصلاً وابستگی، خلاف طبیعت انسان است. اما دولت‌ها آن را بر مردمشان تحمیل می‌کنند و در راه این تحمیل، ملت

را می‌کوبند. دیروز به نوعی و امروز به نوعی دیگر. ۱۳۷۵/۰۱/۲۸

ث) چالش تحریم و مسئله خود اتکایی

در گفتمان استقلال‌خواهی انقلابی یکی از دال‌های اصلی خود اتکایی و عدم وابستگی است. تحریم‌های بین‌المللی و یکجانبه‌ای که توسط آمریکا و اروپا در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران بر کشور تحمیل شدند، خود به عاملی برای مطرح شدن خوداتکایی بدل شدند بنابراین خوداتکایی و تحریم یک رابطه علت و معلولی با هم دارند. در واقع چالش تحریم یکی از دلایل مهم شکل‌گیری گفتمان استقلال‌خواهی انقلابی در جمهوری اسلامی ایران است.

یکی از ویژگی‌های مهم فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دهه‌های اخیر تأکید آن بر خوداتکایی یا خود کفایی است. این موضوع از ابتدای انقلاب اسلامی مطرح بوده و به تدریج افزون بر خودکفایی در حوزه سیاسی و نظامی (همزمان با شکل‌گیری انقلاب اسلامی) سایر حوزه‌ها از جمله حوزه اقتصادی را نیز در بر گرفته است. عوامل متعددی موجب شده جمهوری اسلامی ایران چنین راهبردی اتخاذ کند که می‌توان مهم‌ترین آنها را تجربه تاریخی استعمار تجربه جنگ تحمیلی تحریم‌های اقتصادی و تلاش غرب و آمریکا و برخی کشورهای منطقه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی دانست. از جمله مصادیق خوداتکایی جمهوری اسلامی ایران در حوزه نظامی و امنیتی نمود پیدا می‌کند. در این رابطه ایران برنامه ریزی‌های متعددی با هدف ساخت تسلیحات و تجهیزات نظامی در داخل کرده است و در حوزه واردات تنها به واردات تکنولوژی به جای تسلیحات توجه دارد. البته نباید نقش جنگ تحمیلی علیه ایران را در خوداتکایی نظامی و امنیتی نادیده گرفت. تجربه جنگ عراق و تحریم تسلیحاتی ایران از سوی کشورهای غربی نشان داد باید تولید تسلیحات مورد نیاز در اولویت قرار گیرد (دهشیری، امامی، الهی نیا، ۱۴۰۱: ۲۴۱).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش دلایل شکل‌گیری دو گفتمان اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت و دلایل و عوامل شکل‌دهنده به این دو گفتمان به صورت جداگانه بررسی شد. دلایل شکل‌گیری گفتمان پیوندگرایی بین‌المللی شامل: ورود مدرنیته به ایران در دوران سلسله قاجار، وابستگی امنیتی و اقتصادی ایران به قدرت‌های غربی در دوران پهلوی، انقلاب اسلامی ایران و مشکلات و چالش‌های پس از آن، تحول در نظام بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی و گسترش پدیده جهانی شدن، توسعه اقتصادی ایران از طریق برقراری روابط با غرب و هاشمی رفسنجانی مصلحت‌اندیشی و انعطاف‌پذیری شد که هر یک را جداگانه مورد بررسی قرار دادیم. همچنین دلایل موثر در شکل‌گیری گفتمان استقلال‌خواهی انقلابی نیز شامل: میل ذاتی و تاریخی ایرانیان به استقلال، ضربه خوردن از اعتماد به قدرت‌های بزرگ، ناتوانی در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مستقل در دوران قاجار و پهلوی، پیروزی انقلاب اسلامی با شعار محوری استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و تحریم و چالش خود اتکایی شد و یک‌یک این موارد مورد بررسی قرار گرفتند.

بر این اساس مشخص شد که دو گفتمان اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای یک پیشینه مفصل در طول تاریخ معاصر ایران هستند و در لحظه پدیدار نشده‌اند. در واقع گفتمان پیوندگرایی بین‌المللی حاصل تلاش برای تحقق رشد و توسعه کشور با کمک سرمایه و تکنولوژی غربی و همچنین ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی و امنیتی با آنها بود. علت انتخاب این راه هم‌الگوبرداری از کشورهایی چون ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور بود که این مسیر را برای توسعه خود انتخاب کردند.

در طرف مقابل گفتمان استقلال‌خواهی انقلابی که بعد از انقلاب اسلامی شکل‌گرفت حاصل تحقیر ایران در طول تاریخ معاصر توسط قدرت‌های بزرگ و روحیه استقلال‌خواهانه و سلطه‌گریز ایرانیان بود و در سال‌های اخیر به دلیل تحریم و انزوای ایران توسط آمریکا این روحیه بیش از پیش تقویت شد و با این وجود که در

سالهای دهه ۷۰ و ۸۰ خورشیدی میل به تعامل و همگرایی با قدرت های بزرگ افزایش یافت و در نهایت به توافق برجام ختم شد اما خروج آمریکا از برجام این گزاره را ثابت کرد که مذاکره و تعامل با آمریکا و غرب تا زمانی که اهرم های فشاری برای تضمین پایبندی آنها به تعهداتشان وجود نداشته باشد بی ثمر و خسارتبار است.

در مجموع با توجه به پرسش اصلی این پژوهش و فرضیه مطرح شده می توانیم این گونه نتیجه بگیریم که دلایل شکل گیری دو گفتمان پیوندگرایی بین المللی و استقلال خواهی انقلابی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هر یک بر اساس روند تاریخی خاصی شکل گرفته اند و در واقع دارای ریشه های تاریخی مشخصی هستند.

منابع فارسی:

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران معاصر، نشر نی، تهران.
- ازغندی، علی رضا، (۱۳۹۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چارچوبها و جهت گیریها، نشر قومس، تهران.
- ازغندی، علی رضا. (۱۳۹۵)، روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰، نشر قومس، تهران
- اسماعیلی، حمیدرضا. (۱۳۹۷)، اندیشه سیاسی آیت الله هاشمی رفسنجانی، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- بردبار، احمدرضا، (۱۳۹۹). جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی و امنیتی انگلستان از انقلاب اسلامی تا ۱۴۰۰، نشر دانشگاه خوارزمی، تهران.
- باقری دولت آبادی، علی، شفیعی سیف آبادی، محسن. (۱۳۹۵)، از هاشمی تا روحانی بررسی سیاست خارجی ایران، انتشارات تپسا، تهران.
- خسروی، علیرضا، (۱۳۹۹). مکتب امنیتی امام خمینی(ره): مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر، تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، عطایی، مهدی، (۱۳۹۵). گفتمان های هسته ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۳). چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی، نشر مخاطب، تهران.
- رضانی، روح الله، (۱۳۹۸). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر نی، تهران
- صادقی، فواد. (۱۳۹۸)، صلح و توسعه گفت وگوهای چالشی با آیت الله هاشمی با مقدمه محسن هاشمی رفسنجانی، انتشارات میراث اهل قلم، تهران.
- سیف زاده، سید حسین. (۱۳۸۴)، سیاست خارجی ایران، نشر میزان، تهران.
- صادقی، فواد. (۱۳۹۸)، صلح و توسعه گفت وگو های چالشی با آیت الله هاشمی با مقدمه محسن هاشمی رفسنجانی، انتشارات میراث اهل قلم، تهران.
- کدی، نیکی، (۱۳۸۱). ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان (۱۳۰۴-۱۱۷۵)، انتشارات ققنوس، تهران.
- موسوی بجنوردی، کاظم، سجادی، صادق و همکاران. (۱۳۹۳)، تاریخ جامع ایران جلد ۱۲، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- همایون کاتوزیان، محمد علی. (۱۳۹۸)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، نشر مرکز، تهران.

دهشیری، محمدرضا، امامی، زهرا، الهی نیا، میلاد (۱۴۰۱). تاثیر ایده خودتکایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، شماره ۱، دوره ۵، ۲۵۶-۲۲۹

ذکی، یاشار، حسینی نصرآبادی، نرجس سادات، (۱۳۹۳). حاکمیت ملی در پرتو ابعاد جهانی شدن. فصلنامه علمی پژوهشی و بین المللی انجمن جغرافیای ایران، سال دوازدهم، شماره ۴۳.

رضایی، علیرضا. (۱۳۸۸). نظم ایده محور: الگوی ایالات متحده آمریکا از نظم در نظام بین الملل پساجنگ سرد. فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۱(۳)، ۱۹۶-۱۷۱.

سریع القلم، محمود، (۱۳۸۰). باز نگری نظری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: پارادایم ائتلاف فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۶۳ و ۱۶۴.

سریع القلم، محمود، (۱۳۸۴). جهانی شدن، حاکمیت ملی و جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد، شماره ۳۶.

سرمدی، حمید، ازغندی، علی رضا. (۱۳۹۵). جنگ تحمیلی و تأثیر آن بر تغییر گفتمان سیاست خارجی ایران (از آرمانگرایی دهه اول به عملگرایی منفعت محور دهه دوم انقلاب اسلامی). ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، شماره ۱۰.

سلیمانی، کریم، وحیدی راد، میکائیل، (۱۳۸۹). مذاکرات نفت ایران و انگلیس و تجدید نظر در قرارداد داری در دوره رضاشاه. تاریخ ایران، شماره ۵/۶۴.

صالحی زاده، عبدالهادی، (۱۳۹۰). درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو روش های تحقیق کیفی. فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره سوم، سال دوم.

کسرای، محمد سالار، پوزش شیرازی، علی، (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کار آمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی. فصلنامه سیاست، شماره ۳، دوره ۳۹.

حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان در حسینیه امام خمینی، ۱۷/۷/۱۳۹۲، قابل دسترس در،

<https://www.khamenei.ir/>

حضرت آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش، ۱۳۷۵/۰۱/۲۸، قابل دسترس در

<https://www.khamenei.ir/>

1. Alex Vatanka. (2021) *The Battle of the Ayatollahs in Iran The United States, Foreign Policy, and Political Rivalry since 1979*, I.B. Tauris, London.
2. Kendall, G. and Wickham, G. (1999) *Using Foucault's Methods*, SAGE Publications Ltd, London.
3. Mogalakwe, M. (2006) *The Use of Documentary Research Methods in Social Research*.
4. Richard Nephew. (2017) *The Art of Sanctions: A View from the Field*, Columbia University Press, New York.